

مقاله پژوهشی

مدل تجربی جایگاه ورزش در توسعه دیپلماسی عمومی

مهدی شریعتی فیض آبادی^{۱*}، امیرحسین منظمی^۲

۱- استادیار، گروه تربیت بدنی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران

۲- استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۹

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۱۲/۱۹

The Experimental Model of Sport in Development of Public Diplomacy

Mahdi Shariati Feizabadi¹, Amirhossein Monazzami²

1- Assistant Professor, Department of Physical Education, Technical and Vocational University (TVU), Tehran, Iran

2- Assistant Professor in Sports Management, Shahid Rajaei Teacher Training University

Received: (2020/03/16)

Accepted: (2020/07/09)

Abstract

“War minus shooting” is a concept of public diplomacy in today’s world; This concept consists of three basic dimensions: art, education and sports. The purpose of this study was to explain the position of sports in the development of public diplomacy in the form of experimental model. The present study is in terms of practical purpose, which was conducted by reviewing more than 100 articles, books, notes, news and interviews during the years 2015 to 2019. After analyzing the texts and using the Delphi technique with experts, the research findings showed 99 concepts related to sports in the development of public diplomatic interactions of countries, which were classified into three levels according to the experiences and opinions of experts. According to the levels of classification of sports diplomacy, the product is a combination of the concepts of bilateral diplomacy, multiple diplomacy, people versus people, soft and cultural diplomacy. According to the research findings, sport has a significant role in strengthening the public diplomacy of countries due to its universal “attractiveness” and “effectiveness”.

Keywords: Public Diplomacy, Sports Diplomacy, Smart Power, Attractiveness, Effectiveness.

چکیده

«جنگ بدون شلیک» تعبیری از دیپلماسی عمومی در جهان امروز است؛ این مفهوم از سه بعد اساسی هنر، آموزش و ورزش تشکیل شده است. پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه ورزش در توسعه دیپلماسی عمومی در قالب مدلی تجربی انجام شد. این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی بود که با بررسی بیش از ۱۰۰ مقاله، کتاب، یادداشت، خبر و مصاحبه طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ انجام شد. پس از تحلیل متن متون و تحلیل مصاحبه با صاحب‌نظران با استفاده از تکنیک دلفی، یافته‌های پژوهش نشان داد که ۹۹ مفهوم مرتبط با ورزش در توسعه تعاملات دیپلماتیک عمومی کشورها شناسایی شدند. این مفاهیم با توجه به تجربیات و نظر متخصصان در سه سطح طبقه‌بندی شدند. با توجه به سطوح طبقه‌بندی دیپلماسی ورزشی، نتیجه ترکیب مفاهیم دیپلماسی دوطرفه، چندگانه، مردم در مقابل مردم، نرم و دیپلماسی فرهنگی است. با توجه به یافته‌های پژوهش، ورزش به دلیل جذابیت و اثرگذاری جهان‌شمول خود نقشی پررنگ در تقویت دیپلماسی عمومی کشورها دارد.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی عمومی، دیپلماسی ورزشی، قدرت هوشمند، جذابیت، اثرگذاری.

Corresponding Author: Mahdi Shariati Feizabadi

E-mail: mshariati@tvu.ac.ir

نویسنده مسئول: مهدی شریعتی فیض آبادی

پست الکترونیک: mshariati@tvu.ac.ir

مقدمه

ایالات متحده (رو^۵، ۲۰۱۹)، استرالیا (مورای^۶، ۲۰۱۳) و حتی ترکیه (خبیری، ۲۰۱۷) به‌عنوان کشور همسایه ایران در رقابتی ماراتن گونه تلاش می‌کنند با استفاده از میزبانی‌های رویدادهای مختلف ورزشی از جمله بازی‌های المپیک تابستانی و زمستانی، جام جهانی فوتبال، مسابقات فرمول یک و غیره رشد اقتصادی خود را با سرعت بیشتری پیش برند؛ بنابراین در این پژوهش ابتدا با مطالعه ادبیات پژوهشی این حوزه، به دنبال تبیین جایگاه ورزش در ساختار امور بین‌الملل کشورها هستیم. در ادامه به طراحی مدل تجربی براساس تجارب نویسنده و نظر متخصصان پرداخته شده است.

دیپلماسی عمومی

در عصر حاضر، دیپلماسی عمومی نمونه مطالعاتی دیپلماتیک جدید محسوب می‌شود (پیگمن^۷، ۲۰۱۴). با ظهور و گسترش رسانه‌ها و شکسته شدن مرزهای جغرافیا، تحول مفهومی شگرفی در شکل و معنی دیپلماسی پدیدار شده است (فزون^۸، ۲۰۰۴). دیپلماسی عمومی تعبیری است که به دلیل جهانی شدن وضعیت قدرت و به دنبال آن پررنگ تر شدن نقش سازمان‌های غیردولتی^۹ (مانند کمیته بین‌المللی المپیک با ۲۰۶ عضو یا فیفا با ۲۰۹ عضو) (گریکس و برانگن^{۱۰}، ۲۰۱۹)، انجمن‌های ملی حقوق بشر^{۱۱}، انجمن‌های دانشگاهی (مانند انجمن بسکتبال دانشجویان آمریکا)، گروه‌های تجاری و مذهبی، پس از ظهور این اصطلاح در سال ۱۸۵۱ میلادی در روزنامه تایمز ارائه شد (شریعتی فیض‌آبادی، ۲۰۱۶). در میان اصطلاحات مختلف، دیپلماسی عمومی (مردم‌محور) در مفهوم آمریکایی خود به گونه‌ای فراگیر شامل هر دو گونه دیپلماسی فرهنگی و ارتباطی می‌شود و به کاربرد ابزارهای بین‌فرهنگی و ارتباطات بین‌المللی در سیاست خارجی معطوف می‌شود. دیپلماسی عمومی در واقع حمایت دولت از برنامه‌هایی است که با هدف اطلاع‌رسانی با تأثیرگذاری بر افکار عمومی در کشورهای دیگر انجام می‌شود و شامل انتشار تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۲۰۱۴).

امروزه افکار عمومی یکی از ارکان مهم در تصمیم‌گیری کشورها در حوزه‌های گوناگون محسوب می‌شود و کشورها نمی‌توانند همچون گذشته

قدرت، نقطه کانونی امور بین‌الملل کشورهاست (زینتز^۱، ۲۰۱۹). قدرت در نظام بین‌الملل مهم‌ترین عامل تمایز دولت‌هاست (سجادی، ۲۰۱۵). این مفهوم در جهان مدرن امروز به شکل‌های گوناگونی پدیدار می‌شود که برخی مانند واقع‌گرایان تنها قدرت نظامی را به‌عنوان هژمون یک کشور می‌دانند؛ حال آنکه دیگران به بعد نرم قدرت و دو مفهوم «جذابیت» و «اثرگذاری» به‌عنوان شاخص‌های قدرت نرم معتقد هستند (زینتز، ۲۰۱۹). قدرت نرم که اولین بار نای^۲ آن را مطرح کرد، شاخص‌ها و مؤلفه‌های مختلفی دارد که در میان آن‌ها دیپلماسی عمومی را می‌توان بارزترین نماد و به گفته برخی معادل «قدرت نرم» نامید (شریعتی و گودرزی، ۲۰۱۵). قدرت نرم تحولات نظام بین‌الملل و روندهای جدید جهانی دیپلماسی را نیز متحول کرده است. دیپلماسی سنتی از دیرباز وجود داشته است، اما کشورهای جهان امروز شکل‌های جدید دیپلماسی به‌ویژه دیپلماسی عمومی را در راستای تحقق منافع ملی خود به کار می‌گیرند (یوسفی و همکاران، ۲۰۱۸). حکومت‌ها ممکن است از دیپلماسی عمومی حمایت کنند، اما اساس این موضوع بر سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی استوار است؛ در واقع هر برنامه‌ای که زیر نظر سازمان‌های حکومتی و غیرحکومتی در راستای اطلاع‌رسانی و تأثیر بر عقاید مردمان سرزمینی دیگر روی می‌دهد، می‌تواند در قالب دیپلماسی عمومی گنجانده (چان و بروک^۳، ۲۰۱۹). ابزارهای اصلی این نوع از دیپلماسی تصاویر متحرک، تبادلات فرهنگی، رادیو، تلویزیون و چاپ و نشر مطالب گوناگون است. ورزش در کنار هنر و آموزش سه رکن اساسی این هرم را تشکیل می‌دهد و حکومت‌ها از این طریق تلاش می‌کنند به اهداف سیاسی خود در کنار تحقق اهداف فرهنگی دست یابند (زینتز، ۲۰۱۹).

دیپلماسی ورزش به‌عنوان ترکیبی از دیپلماسی و ورزش، مفهومی جذاب و اثرگذار بر روابط سیاسی و در نهایت قدرت کشورهاست. به‌رغم تمام اعتراض‌ها، سیاست جزو جدانشدنی جنبش‌های ورزشی در جهان امروز است. این موضوع از دیرباز و همچنین آتش‌بس بازی‌های المپیک باستان در ۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح تا تحریم بازی‌های المپیک تابستانی سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۴ در قرن گذشته، قدمت طولانی دارد (ژو^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). در این میان بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشورهای اقتصاد نوظهور (برزیل، چین، روسیه، هند و آفریقای جنوبی)،

5- Rowe

6- Murray

7- Pigman

8- Fozooni

9- Non-Governmental Organizations

10- Brannan & Grix

11- National Human Right Institution

1- Zintz

2- Nye

3- Chan & Brooke

4- Xue

معمولاً به این امر توجه می‌کنند که قصد دارند چه مطلبی را در مطبوعات بیان کنند و چگونه آن را انجام دهند؛

۲- ارتباطات استراتژیک: در ارتباطات استراتژیک مجموعه‌ای از موضوعات معمولی گسترش می‌یابد. این کار بسیار شبیه به آن چیزی است که در مبارزه‌ای سیاسی یا تبلیغاتی روی می‌دهد. در این مبارزه رویدادها و ارتباطات نمادین طی دوره‌ای یک‌ساله به‌منظور ساختن موضوعات اساسی و شبیه به سیاست ویژه دولت طرح‌ریزی می‌شوند؛

۳- گسترش روابط پایدار با افراد کلیدی: این بعد طی سالیان متمادی از طریق اعطای بورسیه‌ها، مبادلات فرهنگی و دانشگاهی، آموزش، برگزاری همایش‌ها و دسترسی به کانال‌های رسانه‌ای صورت می‌گیرد؛ برای نمونه، ژاپن برنامه مبادله علمی جالبی را بسط داده است که طی آن سالانه شش هزار جوان خارجی از چهل کشور دنیا برای آموزش زبان خود در مدارس ژاپنی به این کشور می‌آیند.

هر سه بعد دیپلماسی عمومی نقش مهمی در ایجاد تصویری جذاب از یک کشور دارند و همین امر می‌تواند دورنماهای مربوط به کسب نتایج دلخواه را بهبود بخشد.

کاربرد مفهوم دیپلماسی عمومی را باید یکی از اثرهای جهانی شدن و انقلاب ارتباطات دانست. اینکه یک کشور چگونه در رسانه‌های جهانی به تصویر کشیده می‌شود و توصیف می‌شود، چگونه جریانی را مدیریت می‌کند که توسط رسانه‌ها پوشش داده می‌شود و اینکه مقامات و کارگزاران رسمی یک کشور با افکار عمومی جهان و دولت‌ها چگونه تعامل می‌کنند، از جمله عوامل تعیین‌کننده ارزیابی دیپلماسی عمومی هستند. دیپلماسی عمومی استفاده نظام‌مند از افکار عمومی و تأثیر آن بر سیاست‌مداران و تصمیم‌گیران است (مورای، ۲۰۱۲). قربانی (۲۰۱۲) سازوکار اعمال دیپلماسی عمومی را در موارد زیر خلاصه می‌کند:

۱- بازیگران: دیپلماسی عمومی را می‌توان حاصل سازگاری و انطباق میان اقدامات بازیگران غیردولتی، ارزش‌های سیاست خارجی و اولویت‌های دولت دانست. در واقع، در دیپلماسی عمومی تأکید زیادی بر ترکیب فعالیت‌های بازیگران دولتی و غیردولتی و بخش خصوصی می‌شود. بخش خصوصی طیف وسیعی از شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی تا افراد و کارشناسان مطرح جهانی را در بر می‌گیرد؛

۲- توسعه توانایی‌های داخلی: به معنی تقویت رفتار و نگرش‌های شهروندان یک کشور به جهان است. ایجاد جذابیت و نشان دادن چهره‌ای توانا از یک کشور در داخل و تقویت این باور در میان مردم یک کشور،

تنها بر تبادلات بین‌دولتی در قالب دیپلماسی سنتی تکیه کنند (زردشتیان و همکاران، ۲۰۲۰)؛ به عبارت دیگر، در دیپلماسی عمومی مخاطب برنامه‌ها را مردم، نخبگان سیاسی، فرهنگی و در مجموع جمعیتی غیر از مسئولان تشکیل می‌دهند و در این راستا از ابزارهای مختلفی مانند تبلیغات رسانه‌های جمعی و تأثیرگذاری فرهنگی از طریق دانشگاه‌ها و غیره استفاده می‌کنند (دئوس، ۲۰۱۴). در واقع دولت‌ها سعی می‌کنند با استفاده از دیپلماسی عمومی افکار عمومی را با خود همراه کنند تا برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی‌شان با مشکلات کمتری مواجه شوند (شریعتی فیض‌آبادی و ناظمی، ۲۰۱۸).

دیپلماسی عمومی اقداماتی برای تعامل و ارتباط با دیگر ملل و اندیشه‌هاست که هدف آن استقرار و استمرار روابط طولانی‌مدت فرهنگی، ارزش‌ها و سیاست‌های نظام با سایر جوامع است (صباغیان، ۲۰۱۵). مک‌کلین^۱ دیپلماسی عمومی را راهبرد ارتباطی ویژه و هدفمندی می‌داند که درصدد ساخت تصویری مثبت از یک کشور نزد افکار عمومی خارجی است. وی برای نمایش چگونگی تأثیر از هرم ارتباطات دیپلماسی عمومی استفاده می‌کند (شهابی، ۲۰۰۹). جوزف نای^۲، بنیان‌گذار مفهوم قدرت نرم در روابط بین‌الملل، دیپلماسی عمومی را بر پایه اثرهای مستقیم یا غیرملموس از قبیل ارزش‌ها، فرهنگ و ایدئولوژی تعریف می‌کند (لی، ۲۰۱۳؛ گریکس، ۲۰۱۳). کیگلی^۳ دیپلماسی عمومی را از دیدگاه روابط عمومی بین‌الملل «روش تأثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم دولت، افراد و گروه‌های خصوصی به نگرش‌ها و افکار عمومی مؤثر بر تصمیم‌سازی در سیاست خارجی کشور دیگر» تعریف کرده است (گیاه‌شناس، ۲۰۱۳). دیپلماسی عمومی در واقع مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جدید دیپلماتیک است که در خدمت دستگاه سیاست خارجی یک کشور قرار دارد. این سازوکار جدید دیپلماتیک، ترکیب عملیاتی بخش دولتی و خصوصی با یکدیگر است و تلاش عمده سیاست‌گذار، ارتباط با مخاطب عام و افکار عمومی است تا بتواند پیام مدنظر خود را منتقل کند و بر تصمیم‌سازان تأثیری مطلوب بگذارد (گیاه‌شناس، ۲۰۱۳). به باور آهنین‌جان و آدرش (۲۰۱۸) سه بعد دیپلماسی عمومی عبارت‌اند از:

۱- ارتباطات روزانه: نخستین و نزدیک‌ترین بعد دیپلماسی عمومی است که به تبیین چارچوب در زمینه تصمیم‌های سیاست داخلی و خارجی می‌پردازد. مقامات دولتی در دموکراسی‌های مدرن پس از اخذ تصمیم‌ها

1- Mc Clellan
2- Joseph Nye
3- Kigli

جنگ جهانی اول بود که در واقع ورزش بین‌المللی شد. آلمان‌ها از ورزش به‌عنوان وسیله‌ای برای ترویج ارزش‌ها و سیاست‌های خود و حتی گاهی برای تشریح و تبلیغ ایدئولوژی سیاسی خود استفاده کردند. در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی ورزش عنصر جدانشدنی از روابط بین‌الملل بود. به‌علاوه در کشورهایی که دولت به‌صورت مستقیم کنترل ورزش را در دست داشت، حکومت‌های دیکتاتوری شوروی، آلمان سابق، ایتالیا و اسپانیا از ورزش در سیاست خارجی استفاده کردند. در آن دوران رقابت‌های ورزشی بین‌المللی از جمله بازی‌های المپیک تحت‌تأثیر ملاحظات سیاسی قرار گرفتند. مکاتب سیاسی همچون کمونیسم، کاپیتالیسم، فاشیسم، لیبرال دموکراسی از ورزش در جهت اهداف ایدئولوژیک استفاده کردند (شریعتی فیض‌آبادی، ۲۰۱۵). نمونه بارز این اتفاق را می‌توان در المپیک ۱۹۳۶ برلین و سوءاستفادهٔ هیتلر از میزبانی این بازی‌ها برای برتری نژاد ژرمن‌ها دانست؛ جایی که وی اجازهٔ ورود هیچ ورزشکار یهودی را به دهکدهٔ مسابقات نداد و همواره پرچم رژیم نازی را بالاتر از پرچم المپیک قرار می‌داد. مورخان این دوره از بازی‌های المپیک را «المپیک سیاه» نامیدند (شریعتی و خبیری، ۲۰۱۶).

امروزه علاقهٔ فراوان مردم به ورزش باعث شده است رسانه‌های جمعی به‌طور گسترده به خدمت ورزش درآیند و صفحات زیادی از مطبوعات و زمان بسیاری از برنامه‌های رادیو و تلویزیون در سراسر جهان را به ورزش اختصاص دهند. فیشر^۲ دیپلماسی عمومی را محصول سه بخش تبادل فرهنگی، دیپلماسی فرهنگی و پخش رسانه‌ای می‌داند که ورزش بین‌الملل توانست در هر سه قسمت نقش مهمی داشته باشد و در پیوستار خصوصی-عمومی در هر نقطه‌ای قرار گیرد (پیگمن و مورای، ۲۰۱۴). در دیپلماسی عمومی بر ورزش به‌عنوان ابزاری مؤثر در توسعهٔ روابط بین‌المللی تأکید شده است؛ به‌ویژه برای آن دسته از کشورهایی که فضای سرد سیاسی متقابل دارند (خدایی، ۲۰۱۴). نمونهٔ این موضوع را می‌توان در دیپلماسی پینگ‌پنگ بین ایالات متحده و چین در سال ۱۹۷۱ تا دیپلماسی فوتبال میان ایران و ایالات متحده در سال ۱۹۹۸ دید که در آن ورزش، ابزاری برای آزمون و خطا در برقراری مجدد رابطه بود (مین و چوی، ۲۰۱۹). مورای (۲۰۱۸) دیپلماسی ورزشی را چنین تعریف کرده است: «استفادهٔ قانونی، راهبردی و آگاهانه از ورزش، ورزشکاران، رویدادهای ورزشی و بازیگران غیرحکومتی توسط مدیران امور بین‌الملل و کارکنان دیپلماتیک به‌منظور ایجاد روابط طولانی‌مدت و دوطرفه که زمینهٔ افزایش فرصت‌های گردشگری، آموزشی، سرمایه‌گذاری، تجارت، فرهنگی، توسعه‌ای و ارتباط

به‌طور مستقیم بر ایجاد وجههٔ بین‌المللی و ایجاد جذابیت برای مخاطبان خارجی اثرگذار است. در این باره مخاطب باید آگاهی پذیرفته‌شده‌ای دربارهٔ جهان خارج به دست آورد و مسئله‌ای را درک کند که امروز به‌عنوان شهروند بین‌المللی یا بین‌المللی شدن افراد است. قطع ارتباط دستگاه سیاست خارجی و نهادهای دولتی دیگری که در ارتباط با جهان خارج فعالیت می‌کنند با عامهٔ مردم به‌ویژه نخبگان حوزه‌های مختلف، می‌تواند به این بخش از دیپلماسی عمومی آسیب‌های زیادی وارد کند؛

۳- شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌ای: پیامی که این شبکه‌ها به مخاطب خارجی می‌رسانند، نشان‌دهندهٔ هویت و طرز فکر عامهٔ یک کشور است و همواره باید ابعاد سازگاری و استمرار را در خود داشته باشد. از سوی دیگر این نوع پیام بیانگر این است که یک کشور خود را چگونه می‌داند. یکی دیگر از مسائل توجه‌شده در دیپلماسی عمومی، رسانه‌ها هستند که با قدرت نفوذ چشمگیر خود در جوامع گوناگون قادر هستند تصویری مثبت یا منفی از یک کشور در جهان خلق کنند. امروزه دولت‌ها به مدیریت رسانه توجهی ویژه می‌کنند.

بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران از هم‌پوشانی روابط فرهنگی و دیپلماسی عمومی سخن می‌گویند. در این میان ذکر ابزارهای روابط فرهنگی و مقایسهٔ آن با شاخص‌ها و ابزارهای دیپلماسی عمومی تأییدی بر این امر است. ایجاد سازمان‌ها و نهادهای ویژه برای تنظیم و اجرای روابط فرهنگی، انعقاد موافقت‌نامه‌ها، تفاهم‌نامه‌های خواهرخواندگی، تأسیس مراکز فرهنگی، انجمن‌های دوستی، همکاری‌های علمی، پژوهشی و دانشگاهی، همکاری میان سازمان‌های رادیویی و تلویزیونی، ورزشی، جهانگردی، جوانان و غیره، ابزارهایی هستند که امروزه در روابط فرهنگی به کار گرفته می‌شوند. در این میان با توجه به توجه و استقبال عامهٔ مردم از ورزش و رویدادهای ورزشی در اقصا نقاط جهان، مفهوم نوپای دیپلماسی ورزشی در ادبیات روابط بین‌الملل شکل گرفت که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

دیپلماسی ورزشی

ورزش و دیپلماسی با ایجاد مفهومی دورگه^۱ با عنوان «دیپلماسی ورزش» نقش بسزایی در امور دیپلماتیک در طول تاریخ داشته‌اند (دئوس، ۲۰۱۴). با نگاهی عمیق می‌توان دریافت که نقش اولیهٔ ورزش در عرصهٔ سیاست بین‌الملل، یک فرایند دیپلماتیک عمومی است (رودر و سیمارد، ۲۰۱۳). اگر دیپلماسی عمومی را معطوف‌کردن مردم به جذابیت‌ها و جاذبه‌های عمومی یک کشور بدانیم، ورزش چنین ظرفیتی دارد. بعد از

مردم با مردم را برای حکومت‌ها فراهم می‌کند».

همانند آنچه در دیپلماسی سنتی مانند احترام و پذیرش سفیران، توافق‌نامه‌های مذاکره‌ای و حل مناقشه‌ها صورت می‌گیرد، فعالیت ورزش بین‌الملل اساساً به‌صورت ارتباطی و نمایندگی ملل است. همانند سایر شکل‌های دیپلماسی، ورزش بین‌الملل نیز در صحنه‌ها و ورزشگاه‌های معین اتفاق می‌افتد. تأثیر ورزش بین‌الملل به‌عنوان پدیده‌ای مستقل بر ارتباطات دیپلماتیک میان دولت‌ها، مردم و سایر بازیگران می‌تواند به دو طبقه مهم دسته‌بندی شود که هر کدام از این‌ها بخشی مهم از دیپلماسی معاصر را در بعدی وسیع بررسی می‌کنند (پیگمن و مورای، ۲۰۱۴): ۱- ورزش به‌عنوان مقوله‌ای که به شیوه‌های مختلف تأثیری مستقیم و مداوم بر روابط میان حکومت‌ها، ملل و مردمان داشته است؛ ۲- شیوه تحقق ورزش بین‌الملل که نیازمند بازیگران چندگانه به‌ویژه در حوزه دیپلماسی است تا از طریق آنان بتواند اجرای رویدادهای ورزشی را ممکن کند.

امروزه ورزش می‌تواند موجب تغییر ادراک شکل‌گرفته از کشورها در اذهان سایر مردم جهان باشد؛ مانند آنچه برای کشورهای آلمان (داستان هولوکاست)، آفریقای جنوبی (آپارتاید)، هند (ناعدالتی و فقر) و قطر (موضوعات حقوق بشری) اتفاق افتاد و آن‌ها از طریق کسب میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی دید جهانیان را به خود تغییر دادند؛ به‌عنوان مثال، پس از میزبانی موفقیت‌آمیز آلمان در جام جهانی ۲۰۰۶، نه‌تنها ورود گردشگران به این کشور افزایش یافت، بلکه ابر تیره پنج‌ساله نازیسم نیز از این کشور رخت بست (مورای، ۲۰۱۳). نمونه عملیاتی این موضوع را می‌توان در دیپلماسی هاکی بین شوروی و کانادا، دیپلماسی گلف بین سنگاپور و مالزی، دیپلماسی کریکت بین هند و پاکستان، دیپلماسی بیس‌بال بین آمریکا و کوبا و دیپلماسی بینگ‌پنگ میان چین و ایالات متحده به‌خوبی درک کرد. بروک و چان^۱ (۲۰۱۹) حد فاصل سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ را که شامل مجموعه‌ای از بازی‌های گلف بین بیل کلینتون و چوک تونک^۲، نخست‌وزیر سنگاپور می‌شود، پایه‌های شکل‌گیری «معاهده تجارت آزاد» بین سنگاپور و ایالات متحده گزارش کرد. کره جنوبی و چین نیز به‌عنوان میزبانان بازی‌های آسیایی ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ توانستند به‌خوبی از این فضا استفاده کنند. کره‌ای‌ها پیش از آغاز بازی‌های ۱۹۸۶ از چینی‌ها تقاضا کردند با بیشترین ورزشکاران در این بازی‌ها شرکت کنند تا از این طریق روابط میان مردم دو کشور تلطیف شود که این موضوع با چراغ سبز آن‌ها همراه شد. چهار سال بعد در آستانه برگزاری بازی‌های آسیایی ۱۹۹۰ پکن، درحالی که

چینی‌ها به‌دلیل کشتار تیانانمن^۳ نکوهش شدند، کره‌ای‌ها حمایت کردند تا جهان شاهد دوره‌ای جدید در توسعه روابط میان این دو کشور آسیای شرقی باشد. پس از آن چینی‌ها توانستند با حضور در بازی‌های المپیک تابستانی و ورزش بین‌الملل به جایگاهی مناسب دست یابند. رو (۲۰۱۸) رژه ورزشکاران دو کشور کره جنوبی و کره شمالی در مراسم افتتاحیه المپیک زمستانی ۲۰۱۸ پیونگچانگ را یکی دیگر از دستاوردهای پررنگ ورزش در عصر حاضر گزارش کرد. ژو و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی تأسیس اماکن ورزشی توسط چینی‌ها در آفریقا پرداختند و نشان دادند آن‌ها در شصت سال گذشته حدود ۱۴۰۰ فضای ورزشی مختلف را در سراسر جهان تأسیس کردند و از این طریق دیپلماسی ساخت ورزشگاه را به‌عنوان شاخه‌ای از دیپلماسی ورزشی راه‌اندازی کردند. آن‌ها تلاش کردند از ورزشگاه‌ها به‌عنوان ابزاری برای توسعه و نمایش فرهنگ، اقتصاد و وضعیت سیاسی اجتماعی خود در کشورهای کمتر توسعه‌یافته استفاده کنند؛ به‌عنوان نمونه، در ۲۲ جولای ۲۰۱۸ رئیس‌جمهور ژو جینپینگ^۴ در دیدار با همتای سنگالی خود کلید طلایی یک باشگاه ملی کشتی را به او اهدا کرد و آن را بازتابی شفاف از روابط دوستانه میان چین و سنگال دانست. دیپلماسی کریکت در میان کشورهای هند و پاکستان در ماه مارس ۲۰۱۱ اتفاق افتاد؛ جایی که گیلانی^۵، نخست‌وزیر پاکستان، دعوت همتای هندی خود را برای شرکت و تماشای مرحله نیمه‌نهایی جام جهانی کریکت که مابین رقبای آسیای جنوبی برگزار شد پذیرفت (مورای، ۲۰۱۱). مردمان این دو کشور به‌رغم یک دهه خصومت با یکدیگر به‌دلیل وجود علاقه‌ای مشترک (کریکت) و برگزاری مسابقات دوستانه در سال ۲۰۰۴ در این رشته، خطر حمله نظامی و وقوع جنگ را از بین بردند (پیگمن و مورای، ۲۰۱۴). برزیل نیز به‌عنوان یکی از کشورهای عضو بریکس پس از برگزاری جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۴، توانست قدرت نرم خود را افزایش دهد و از رده هفدهم جهان به رده بیست‌ویکم صعود کند. کاسترو^۶ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «دیپلماسی بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ و جام جهانی فیفا ۲۰۱۴»، راهبرد برزیل برای پیروزی بر قلوب و اذهان از طریق ورزش و فوتبال، کسب مقام‌های مختلف قهرمانی کشور برزیل در سال‌های اخیر و میزبانی بازی‌ها و رویدادهای مختلف ورزشی از قبیل جام کنفدراسیون‌های فیفا در ۲۰۱۳، بیستمین قهرمانی دوندگان حرفه‌ای جهان در ۲۰۱۳، جام جهانی فوتبال در ۲۰۱۴، بازی‌های المپیک و پارالمپیک در ۲۰۱۶، پانزدهمین دوره

3- Tiananmen

4- Xi Jinping

5- Gilani

6- Castro

1- Brook & Chan

2- Chok Tonk

این کشور با واژه‌های «عادلانه، متنوع، مغرور، محافظه‌کار، با اعتمادبه‌نفس، شیک» در جهان شناخته می‌شوند.

با بررسی چندگانه شبکه‌ها، بازیگران و راه‌های ورزش بین‌الملل و دیپلماسی، دو طبقه متفاوت از دیپلماسی ورزشی به وجود می‌آید (پیگمن و مورای، ۲۰۱۴): اولین طبقه، ورزش بین‌المللی است که حکومت‌ها آگاهانه از آن به‌عنوان ابزاری دیپلماتیک استفاده می‌کنند و دومین طبقه، ورزش بین‌الملل است که به‌عنوان دیپلماسی می‌تواند در قالب بازیگری غیرحکومتی در رقابت‌های ورزشی بین‌المللی نقش مذاکره‌کننده و نماینده‌گفت‌وگو داشته باشد.

حالت اول در جهان امروز آشنا تر و رایج‌تر است؛ چراکه حکومت‌ها امروزه از ورزش برای بلندتر کردن صدای پیام‌های دیپلماتیک خود استفاده می‌کنند یا از رویدادهای ورزشی به‌عنوان فرصت‌هایی برای بهبود دیپلماسی عمومی خود بهره می‌گیرند و در نهایت زیر پرچم روابط دیپلماتیک از ورزش به‌عنوان ابزاری برای کاهش تنش و ایجاد زمینه‌ای برای تغییرات سیاسی استفاده می‌کنند؛ این همان شکل سنتی بحث دیپلماسی ورزش است.

حالت دوم که همان ورزش بین‌الملل به‌عنوان نوعی از دیپلماسی است که کمتر مدنظر قرار گرفته است. این بعد شامل تأثیرات هر دو ورزش بین‌الملل بر دیپلماسی و اختصاصی شدن دیپلماسی ورزش بین‌الملل است. این در واقع همان فعالیت‌های دیپلماتیکی است که اتفاق می‌افتد تا مسابقات ورزش بین‌الملل برگزار شوند.

ماهیت شکل دوم در مقایسه با حالت اول مبهم‌تر است. آنچه امروز از ورزش بین‌الملل به‌عنوان رقابت میان نمایندگان با ماهیت سیاسی و مختلف می‌بینیم، از دیرباز در ورزش وجود داشته است. در اوایل قرن نوزدهم میلادی ورزش به‌عنوان فعالیتی مفرح، ابتدا به طبقه متوسط جامعه اروپایی و سپس به سایر مناطق جهان رسوخ کرد. در نتیجه دموکراتیک شدن ورزش، مسابقه‌دهندگان و هواداران در مسابقات حرفه‌ای برای نشان دادن «بهترین» روی مقیاس جهانی رودرروی یکدیگر قرار گرفتند. پایه‌گذاری بازی‌های المپیک مدرن توسط پیردوکوبرتن در سال ۱۸۹۶ و تأسیس انجمن جام‌جهانی فوتبال در اوایل قرن بیستم نمادهایی از این موضوع بودند. برخلاف مسابقات ورزشی که به شکلی مشخص به‌عنوان ابزاری دیپلماتیک برگزار می‌شدند، بیشترین سهم ورزش بین‌الملل بدون در نظر گرفتن هرگونه هدف دیپلماتیک برگزار می‌شد. چهابی^۹ (۲۰۰۱) این نوع از مسابقه را نوعی رابطه «فردبه‌فرد» و «ارتباطات درون‌اجتماعی» تعریف کرده است و آن را

بازی‌های پان آمریکن و پاراپان آمریکن در ۲۰۰۷ و پنجمین دوره بازی‌های نظامی در ۲۰۱۱ را موجب افزایش قدرت هوشمندانه^۱ این کشور می‌داند. این قدرت چیزی است که نای در سال ۲۰۰۳ آن را برای اولین بار مطرح کرد و محصول جمع قدرت سخت و قدرت نرم دانست. وی در قسمتی از پژوهش خود دوران ریاست جمهوری سیلوا در برزیل در دو دوره از سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ را دستمایه رشد اقتصادی، ثبات مالی، محرومیت اجتماعی و تمرین دموکراسی دانسته است. کاسترو معتقد است برزیل به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور آمریکای جنوبی پایه‌های کشورهای روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی رشد کرده است و به‌عنوان یکی از کشورهای «بریک^۲» خود را معرفی کرده است. ایالات متحده برنامه‌ای دارد تا از ورزش در جهت پیشبرد اهداف سیاسی خود استفاده کند. نام این برنامه ایالات رشته‌های ورزشی^۳ است که به سه راه عمل می‌کند (جکسون، ۲۰۱۳): ۱- برنامه ملاقات‌کنندگان رشته‌های ورزشی، ۲- برنامه نماینده سیاسی رشته‌های ورزشی و ۳- کمک‌هزینه رشته‌های ورزشی.

لی^۴ (۲۰۱۳) در پژوهش خود نگرش میزبانان دو ابررویداد^۵ جهانی را با یکدیگر مقایسه کرد. از نظر او، لندن ۲۰۱۲ و پکن ۲۰۰۸ دو نوع نگرش سیاسی متفاوت برای دیپلماسی عمومی خود دنبال کردند. از یک سو بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۰۸ پکن را شکلی گسترده از دیپلماسی عمومی سنتی می‌داند که در آن حکومت سوسیالیست^۶ با تمرکز بر پیام‌های حکومتی و نخبگان سیاسی اهداف خود را پیاده کرد؛ حال آنکه لندن ۲۰۱۲ با جمع‌گرایی، نوعی دموکراسی آزادانه را ایجاد کرد که در آن ارزش‌های متفاوت، بازبودن^۷ و مشارکت طیف وسیعی از بازیگران وجود داشت. به‌تبع، المپیک دوم (لندن ۲۰۱۲) از طریق کم‌رنگ کردن مرزها و دستیابی به ذهن و قلب مخاطبان جهانی فرایندی مؤثرتر را برای دیپلماسی عمومی فراهم آورد. از دید گریگس و هولیهان^۸ (۲۰۱۴)، بریتانیا با برگزاری بازی‌های ۲۰۱۲ لندن توانست دیپلماسی عمومی خود را تقویت کند. به‌رغم استفاده سالانه بریتانیا از سربازان خود در اقصا نقاط جهان برای امور نظامی پس از سال ۱۹۴۵، تصویر این کشور با وجود استفاده از قدرت سخت همچنان مثبت باقی مانده است. از دید تماشاگران بازی‌های المپیک در بریتانیا، مردمان

1- Smart Power

2- BRIC: Stands for Brazil, Russia, India & China

3- Sports United

4- Li

5- Mega event

6- Socialist

7- Openness

8- Grix & Houlihan

9- Chehabi

به پدیده‌ها وجود دارد. در این حالت، مقولات فکری گروه تحقیق شده برای توصیف نگرش و رفتارهایشان تأیید می‌شوند و توجه به تجربه و شرح آن از خصوصیات محوری پژوهش کیفی است (ایزدی و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۰). هدف از انجام‌شدن پژوهش حاضر یافتن پاسخ مناسب به این سؤال بوده است که جایگاه ورزش در تقویت تعاملات دیپلماتیک کشورهای جهان امروز چگونه است؟

داده‌های اولیه این پژوهش شامل آمار مراکز معتبر داخلی و خارجی و نتایج همسو با پژوهش‌های معتبر است. در این پژوهش پس از نقد و تحلیل داده‌ها، با انتخاب مصاحبه‌های ۱۳ نفر از خبرگان موضوع پژوهش در ایران (شامل وزیر ورزش و جوانان و دو معاون سابق، نایب‌رئیس و دبیر سابق کمیته ملی المپیک، سه نفر از نایب‌رئیسان فدراسیون‌ها، مشاور ورزشی وزیر کار، رئیس سابق سازمان تربیت‌بدنی به‌همراه دو نفر اعضای هیئت‌علمی صاحب‌نظر در حوزه دیپلماسی عمومی) با روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و اجرای دو مرحله تکنیک دلفی، اجماع لازم به‌دست آمد. نتیجه فرایند به استخراج ۹۹ مفهوم نهایی مهم منجر شد. مدل شماتیک جایگاه ورزش در توسعه دیپلماسی عمومی در شکل ۱ ارائه شده است. پژوهش حاضر براساس مطالعات سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۸ انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که ۷۷ درصد از نمونه پژوهش دارای مدرک دکتری بودند. سایر یافته‌ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- وضعیت دموگرافیک نمونه مطالعاتی

Table 1- Demographic Status of Sample Study

متغیر	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۳	۱۰۰
	زن	۰	۰
تحصیلات	کارشناسی	۲	۱۵/۳
	کارشناسی‌ارشد	۱	۷/۶
	دکترا	۱۰	۷۶/۹
تخصص و تجربه	ورزشی	۱۱	۸۴/۶۱
	روابط بین‌الملل	۲	۱۵/۳۸

از تعاملات دولت‌ها با یکدیگر و بین‌الملل متمایز کرده است. اگرچه هنوز دولت‌ها از بیشتر رقابت‌های ورزشی به‌عنوان ابزاری دیپلماتیک و هدفمند استفاده نمی‌کنند، ورزش بین‌الملل می‌تواند شکلی از دیپلماسی باشد. همانند سایر دیپلماسی‌های سنتی میان دولت‌ها، رقابت‌های ورزشی بین‌المللی می‌توانند به کاهش بیگانگی حکومت‌ها، مردم و سایر بازیگران به یکدیگر کمک کنند (پیگمن و مورای، ۲۰۱۴).

امروزه دیپلماسی ورزش در زیر چتر دیپلماسی عمومی قرار گرفته است. این پدیده تمامی فعالیت‌های دیپلماتیک و نمایندگانی را در برمی‌گیرد که به فعالیت ورزشی در ارتباط با حکومت می‌پردازند. این روش توسط دیپلماسی سنتی، رویدادهای ورزشی و افراد ورزشکار تسهیل می‌شود و مایه خلق و شکل‌دهی تصویری در میان سیاست‌مداران و سازمان‌های خارجی می‌شود تا از این طریق ادراکات از اهداف سیاست خارجی یک حکومت به شیوه‌ای شفاف شکل بگیرد (مورای، ۲۰۱۲). دیپلماسی سنتی در پشت درهای بسته و دور از مردم، رسانه و سروصدا صورت می‌گیرد؛ بنابراین در پژوهش حاضر درصد تبیین جایگاه ورزش در دیپلماسی عمومی هستیم.

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر براساس پارادایم پراگماتیسمی و با رویکرد کیفی و کاربردی به جایگاه ورزش در توسعه دیپلماسی عمومی کشورها پرداخته است. رویکرد کیفی تلاش برای توصیف غیرکمی از موقعیت‌ها و حوادث است و همچنین تلاش برای ارائه تعبیر و تفسیر معانی مدنظر انسان در موقعیت‌های طبیعی است. در روش کیفی، نوعی نگاه امیک^۱ (نگاه درون)

با مطالعه منابع پژوهشی مرتبط شامل یادداشت‌ها، مقالات، کتب، وب‌سایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های مرتبط با حوزه ورزش بین‌الملل و مصاحبه با ۱۳ تن از متخصصان، مفاهیم زیر استخراج شدند که در قالب مدل تجربی ارائه شده‌اند (شکل ۱). مفاهیم استخراج‌شده از متون مطالعه‌شده و مصاحبه‌های کیفی در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- مفاهیم استخراجی از مصاحبه‌ها و متون مطالعاتی

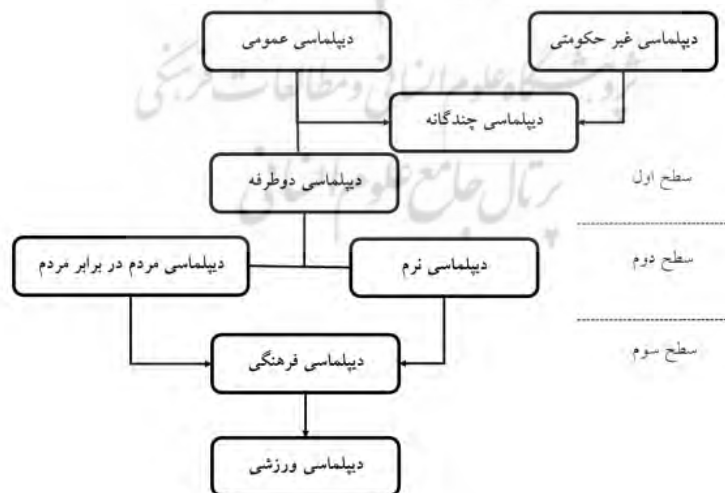
Table 2- Explored Concepts of Interviews and Passages

ردیف	مفهوم	کد مصاحبه‌شونده
۱	رویدادهای ورزشی فرصتی برای توسعه سرمایه دانش جهانی فراهم می‌آورند.	P۴, P۱۳
۲	ورزش جامعه‌پذیری جوانان و بزرگسالان را افزایش می‌دهد.	P۹, P۱, P۱۱, P۸
۳	ورزش بستری مناسب برای ابراز طیف گسترده‌ای از احساسات و تغییرات عقیدتی افراد است.	P۹
۴	ورزش موجب شکل‌دهی به افکار عمومی و قسمتی از منابع قدرت نرم می‌شود.	P۱۲, P۷, P۵
۵	ورزش باعث انتقال مفاهیم اخلاقی و ارائه الگوی مناسب می‌شود.	P۴, P۲
۶	ورزش پررنگ‌ترین نوع دیپلماسی فرهنگی است.	P۱۰
۷	شرکت در ورزش نشانه تمدن، سلامت و شادکامی یک کشور است.	P۹, P۴
۸	آوردگاه رویدادهای ورزشی، جایگاه قدرت‌نمایی کشورهای پیشرفته یا نوظهور است.	P۱۰, P۳
۹	موفقیت در رویداد ورزشی می‌تواند به افزایش قدرت یک کشور و نیز جهانی شدن قدرت یک کشور کمک کند.	P۱۶, P۴
۱۰	ورزش دستاویزی برای پذیرش حقوق یک کشور در جامعه جهانی است.	P۱۱, P۸
۱۱	ورزش می‌تواند معیاری برای مقایسه قدرت کشورها باشد.	P۴, P۹
۱۲	ورزش می‌تواند به «فرد» نیز در کنار جمع قدرت تأثیرگذاری بین‌المللی دهد.	P۸, P۶
۱۳	دلوری‌های ورزشی در رویدادهای بزرگ ورزشی شاخصی برای سنجش قدرت کشورهاست.	P۹
۱۴	موفقیت در رویدادهای ورزشی نشان‌دهنده چهره توانمند داخلی یک کشور است.	P۴, P۷
۱۵	ورزش ابزاری برای دستیابی به ذهن و قلب مخاطب جهانی است.	P۷, P۶, P۵, P۲
۱۶	مارک‌های ورزشی معروف مصداقی از قدرت نرم کشورها هستند.	P۸, P۱۰, P۶, P۱
۱۷	معرفی و موفقیت یک کشور در مسابقات ورزشی باعث رشد و پیشرفت گردشگری و سرمایه‌گذاری اقتصادی دیگر کشورها در آن شود.	P۱۲, P۱۱, P۸, P۷, P۴, P۲, P۱
۱۸	ورزش موجب توجه مردم به سایر جذابیت‌ها و جاذبه‌های عمومی یک کشور می‌شود.	P۱۰, P۵, P۴, P۷
۱۹	ورزش زمینه توسعه پایدار و چندانگانه ملت‌ها را ایجاد می‌کند.	P۱۳, P۱۲, P۱۱, P۵, P۴, P۱
۲۰	ورزش باعث می‌شود یک کشور به جامعه‌ای باز و مدرن و قطب جهانی اقتصاد تبدیل شود.	P۸, P۴, P۳
۲۱	ورزش موجب ایجاد جنگ روانی میان دولت‌هاست.	P۵
۲۲	ورزش می‌تواند ابزاری برای انتقام‌جویی و منبعی برای کارهای غیراخلاقی باشد.	P۶, P۵
۲۳	ورزش می‌تواند اهداف نامشروع سیاسی یک کشور را مشروع جلوه دهد.	P۵, P۶
۲۴	ورزش سلاحی برای انقلاب و سمبلی جنگ مانند برای افروختن دشمنی‌هاست.	P۵, P۱۱

P۹, P۷	رویدادهای ورزشی عرصه‌ای برای دشمنی‌های سیاسی و عقیدتی فراهم می‌آورند.	(۲۵)
P۵	ورزش زمینه وقوع قتل، تحریم و دعوی سیاسی را فراهم می‌آورد.	(۲۶)
P۵	ورزش بستری مناسب برای فعالیت‌های تروریستی و تظاهرات است.	(۲۷)
P۵, P۴	ورزش بازنمایی نژادی و جنسی را به همراه دارد.	(۲۸)
P۵, P۸	ورزش ابزاری برای تحریک و خشمگین کردن یک کشور است.	(۲۹)
P۵, P۱۱	ورزش ابزاری در جهت ترویج قدرت و هژمون (سلطه) است.	(۳۰)
P۵, P۷	ورزش بستری را برای تقلب، مشاجره، شرط‌بندی و مصرف موادمخدر فراهم می‌آورد.	(۳۱)
P۵, P۱۰, P۳	شیئی‌سازی ورزشکاران یکی از ابزارهایی است که سیاستمداران استفاده می‌کنند.	(۳۲)
P۱۳, P۱۰, P۸, P۲, P۷	ورزش ارتباطات رسانه‌ای روزانه (مطبوعات و غیره) میان ملل را افزایش می‌دهد.	(۳۳)
P۱۲, P۸, P۴, P۲, P۱, P۱۰	ورزش دستمایه انقلاب ارتباطات و اطلاعات است.	(۳۴)
P۱۰	برخلاف روابط دیپلماتیک سنتی، رویدادهای ورزشی نوعی اطلاع‌رسانی دوطرفه است.	(۳۵)
P۹, P۲	ورزش می‌تواند زمینه استفاده از شبکه‌های جهان‌گستر را فراهم آورد.	(۳۶)
P۹, P۱, P۳	ورزش ابزاری برای انتقال تصویر و پیام دیپلماتیک است.	(۳۷)
P۸	انعکاس رسانه‌ای رویدادهای ورزشی موجب همگرایی سیاست و ورزش می‌شود.	(۳۸)
P۶, P۲, P۱۳, P۴, P۱۱	ورزش برونادهای اقتصادی را افزایش می‌دهد و زمینه بازسازی نهادهای داخلی را فراهم می‌آورد.	(۳۹)
P۱۲, P۱۱, P۹, P۷, P۶, P۳, P۲, P۱	برگزاری رویدادهای ورزشی موجب تقویت زیرساخت‌ها و ایجاد تسهیلات مناسب می‌شود.	(۴۰)
P۳, P۱, P۹, P۱۲	ورزش بستری را برای ایجاد امنیت سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی یک کشور فراهم می‌آورد.	(۴۱)
P۱۰, P۹, P۳	ورزش بستری را برای تجارت آزاد و بهبود وضعیت کار فراهم می‌آورد.	(۴۲)
P۷, P۶, P۳, P۹, P۱۰	عرصه ورزش، بازاری برای فروش ابزار و وسایل، تولید ثروت و شکوفایی اقتصادی است.	(۴۳)
P۱۱, P۹, P۷, P۶, P۳	ورزش می‌تواند به رشد اقتصاد داخلی کمک کند و میراثی ماندگار برای کشورها بر جای بگذارد.	(۴۴)
P۱۰, P۵, P۶	ورزش می‌تواند صلح میان دولت‌ها و ثبات بین‌المللی را ایجاد و تقویت کند.	(۴۵)
P۴, P۲	ورزش باعث از بین رفتن موانع (فقر، بیماری، جنگ و غیره) توسعه کشورها می‌شود.	(۴۶)
P۸, P۶	ورزش باعث کاهش رقابت‌های بین‌نژادی و تعارض‌های فردی می‌شود.	(۴۷)
P۱۰, P۹, P۲	ورزش می‌تواند جایگزین جنگ و دیپلماسی نظامی شود و زمینه دوستی بین‌المللی را فراهم آورد.	(۴۸)
P۱۰, P۴, P۲	ورزش پدیده‌ای برای دفاع از افراد و گروه‌های ستم‌دیده و محروم است.	(۴۹)
P۱۰, P۸, P۷, P۶, P۴, P۲, P۱	ورزش با هرگونه فعالیت قهرآمیز بین‌المللی مخالفت است و بستری را برای حل و فصل مسالمت‌آمیز	(۵۰)
P۱۲, P۱۱	اختلاف‌ها فراهم می‌آورد.	
P۵	ورزش ابزاری است تا مردم یک کشور در مقابل مردم کشور دیگر قرار گیرند.	(۵۱)
P۱۱, P۱۰, P۸, P۷, P۶, P۳	ورزش اهرمی برای رعایت حقوق بشر، اجرای استانداردهای آن و ارائه خدمات بشردوستانه است.	(۵۲)
P۹, P۷, P۳	ورزش ابزاری علیه دوپینگ، تنوع نژادی، قومی، منطقه‌ای و طبقاتی است.	(۵۳)

۵۴	ورزش بستری را برای کسب مهارت‌های حیاتی زندگی فراهم می‌آورد و صبر و تحمل افراد را افزایش می‌دهد.	P۱۱, P۱۰, P۲
۵۵	تیم‌های ورزشی با نشان دادن فرهنگ خود در جریان مسابقات ورزشی می‌توانند دیگران را به ایجاد روابط خارجی با خود برانگیزانند.	P۱۲, P۱۰, P۹, P۸, P۷, P۳, P۲, P۱
۵۶	رویدادهای ورزشی می‌توانند به توسعه علم و فناوری در کشور میزبان کمک کنند.	P۹
۵۷	رویدادهای ورزشی می‌توانند به بهبود فرهنگ عمومی تماشاچیان کشور میزبان کمک کنند.	P۲, P۷
۵۸	ورزش می‌تواند خرده‌فرهنگ‌ها را به یکدیگر نزدیک کند و میان آن‌ها پل بزند.	P۷, P۳, P۲
۵۹	ورزش موجب بهبود اخلاق، تعهدات اجتماعی، نظم و اعتماد به نفس می‌شود.	P۷, P۳, P۱
۶۰	ورزش گوناگونی مذهبی را کاهش می‌دهد و بستری را برای نمایش فرهنگ ملی و ارائه ارزش‌ها فراهم می‌آورد.	P۹, P۴
۶۱	ورزش یک کشور نشان‌دهنده طرز فکر عامه مردم یک کشور است.	P۴, P۱۰
۶۲	ورزش موجب تقویت مفهوم «شهروند بین‌المللی» می‌شود و ابزاری برای انتقال دیدگاه‌ها و آرزوهای یک دولت است.	P۲, P۹
۶۳	ورزش موجب گسترش روابط پایدار افراد کلیدی کشورها (دانشگاهیان، نخبگان و غیره) با یکدیگر می‌شود.	P۱۰, P۷, P۱
۶۴	ورزش ابزاری برای تأسیس مراکز فرهنگی، انجمن‌های دوستی و تفاهم‌نامه‌های خواهرخواندگی میان دولت‌هاست.	P۱۲
۶۵	ورزش می‌تواند بستری برای تبلیغ آرمان‌ها، ارزش‌ها و اهداف متعالی کشورها به وجود آورد.	P۱۱, P۹, P۶, P۷, P۴, P۲
۶۶	ورزش ابزاری برای آموزش ارزش‌ها و ایجاد و تقویت روحیه جوانمردی در افراد است.	P۱۲, P۱۰, P۹, P۷, P۴, P۳, P۱
۶۷	ورزش محیطی برای تخلیه پرخاشگری فراهم می‌آورد و ابزاری برای کاهش خشونت جهانی است.	P۱۳, P۵
۶۸	ورزش بستری مناسب برای جذب جوانان و فعالیتی کمکی به منظور ساخت شخصیت آنان است.	P۱۰, P۹
۶۹	میزبانی رویدادهای ورزشی فرصتی را برای تبادل اطلاعات و تسهیم تجارب ایجاد می‌کند.	P۳, P۸, P۶
۷۰	ورزش بروندهای اجتماعی را افزایش می‌دهد و به توسعه منابع فرهنگی کمک می‌کند.	p۱۰, P۲
۷۱	موفقیت در رویدادهای ورزشی و میزبانی این مسابقات می‌تواند قدرت نرم کشورها را تقویت کند.	p۱۳, p۷, P۹
۷۲	ورزشکاران، مربیان و غیره کشورها مصداقی از قدرت نرم کشورها هستند.	p۱۳, p۹, P۷
۷۳	ورزش می‌تواند به آمادگی افکار عمومی برای رخدادهای نوین سیاسی کمک کند.	P۵
۷۴	ورزش به استقرار نظم و دموکراتیک شدن نظام هر کشور کمک می‌کند.	P۳
۷۵	ورزش باعث کاهش کلیشه‌ها، تنش‌های سیاسی و تضادهای ایدئولوژیک هر کشور می‌شود.	p۲, p۱۱, P۴
۷۶	موفقیت در رویدادهای ورزشی باعث تکامل نظام دولت ملی می‌شود.	P۸
۷۷	ورزش به رشد، توسعه و نوسازی دولت‌ها کمک می‌کند.	P۴, P۱, P۲, P۱۳, P۱۲, P۱۰, P۹
۷۸	ورزش می‌تواند محیط خارجی و داخلی کشورها را به هم پیوند دهد.	P۱۱
۷۹	ورزش زمینه نزدیکی جغرافیایی سیاسی به جغرافیایی طبیعی را فراهم می‌آورد.	P۶
۸۰	ورزش زمینه ارتقای منزلت ژئوپلیتیک کشورها را فراهم می‌آورد.	P۵
۸۱	ورزش دستورالعمل‌های ضعیف سیاسی را بهبود می‌دهد و خلأهای سیاسیون را پر می‌کند.	P۵
۸۲	ورزش می‌تواند محیطی را برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی فراهم کند و ابزاری برای کسب ارزش‌های سیاسی باشد.	P۲, P۷

۸۳	ورزش ابزاری برای محوکردن محدودیت‌های ژئوپلیتیک است.	P۵
۸۴	موفقیت در رویداد ورزشی می‌تواند موجب همبستگی و وحدت ملی شود.	P۱۱, P۱۳, P۹, P۶, P۲, P۳, P۱
۸۵	ورزش می‌تواند افکار عمومی را با دولت همراه کند.	P۱۰, P۸
۸۶	ورزش می‌تواند زمینه شادی خودجوش مردم را فراهم کند و شور زندگی را در آنان تقویت کند.	P۷, P۶, P۴
۸۷	موفقیت در رویدادهای ورزشی وحدت، همگرایی، هویت، غرور و انسجام ملی را تقویت می‌کند.	P۸, P۷, P۱, P۲, P۳, P۱۰, P۹
۸۸	مشاغل ورزشی می‌توانند هویت ملی یک کشور را تقویت کنند.	P۶
۸۹	ورزش نقطه کانونی اجتماعات جهانی امروز و دستمایه ساخت ملی است.	P۶, P۴
۹۰	ورزش ابزاری برای تشویق ملی‌گرایی و ادغام اقلیت‌هاست.	P۷, P۳, P۱۲, P۱۰
۹۱	ورزش باعث تقویت حس قلمروخواهی و برانگیخته‌شدن حس شهروندی می‌شود.	P۸
۹۲	حضور یک کشور در رویدادهای ورزشی می‌تواند یک کشور را از انزوای سیاسی و ژئوپلیتیک خارج کند.	P۶
۹۳	میزبانی و برگزاری موفقیت‌آمیز رویدادهای ورزشی موجب ارتقای جایگاه سیاسی یک کشور می‌شود.	P۵, P۲, P۱
۹۴	با کسب درآمد از میزبانی رویدادهای ورزشی می‌توان به جایگاهی بالاتر در عرصه سیاست خارجی دست یافت.	P۱۱, P۹, P۷, P۶, P۴, P۱
۹۵	موفقیت در رویداد ورزشی موجب احترام بین‌المللی می‌شود.	P۱۳
۹۶	ورزش می‌تواند فشارهای سیاسی سایر کشورها بر کشوری خاص را کاهش دهد.	P۱۱, P۹, P۵, P۲
۹۷	میزبانی رویدادهای ورزشی موجب خودباوری نخبگان سیاسی کشور می‌شود.	P۴
۹۸	ورزش ابزاری برای به‌رسمیت‌شناختن یک دولت است.	P۱۰, P۷
۹۹	ورزش می‌تواند با انزوای سیاسی مقابله کند و بستری را برای تشریح و تبلیغ ایدئولوژی سیاسی فراهم کند.	P۱۰, P۳, P۲, P۵, P۶



شکل ۱- مدل تجربی جایگاه ورزش در توسعه دیپلماسی عمومی

Figure 1- Emirical Model of Sport in Development of Public Relations

بحث و نتیجه‌گیری

دیپلماسی عمومی انجام شد. نهادهای ورزش بین‌الملل مانند فیفا با عضویت ۲۰۹ کشور یا کمیته بین‌المللی المپیک با عضویت ۲۰۶ کشور (باقری و همکاران، ۲۰۱۶) توانسته‌اند ورزش را به‌عنوان عرصه‌ای جذاب

با توجه به نقش پررنگ سازمان‌های غیرحکومتی در امور بین‌الملل جهان امروز، پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه ورزش در توسعه

رقابت‌های ورزشی بین‌الملل بر ارتباطات دیپلماتیک میان دولت‌هاست. چنانچه دولت‌ها بخواهند به‌صورت مستقیم با مردم کشور دیگر رابطه برقرار کنند، این استراتژی آن‌ها توسط مردم کشور مقصد ممکن است پس زده شود و در نتیجه با شکست مواجه شود. در واقع دولت‌ها به‌دنبال استفاده از ورزش هستند تا بر مردمان و دولت کشور مدنظر تأثیر بگذارند و رابطه خود را با آنان تقویت یا ایجاد کنند. شیوه دیگر، دیپلماسی خاص ورزش بین‌الملل است که از طریق سازمان‌های غیردولتی مانند آی.اوس.سی. و فیفا انجام می‌گیرد و این بازیگران دیپلماتیک غیردولتی با بهره‌جستن از حمایت مخاطبان جهانی خود می‌توانند مأموریت خود را از طریق انجام رویدادهای ورزشی مرتبط به‌خوبی انجام دهند. به‌صورت کلی می‌توان گفت در دیپلماسی نوین چهار مزیت آشکار برای استفاده از ورزش به‌عنوان ابزاری دیپلماتیک ذکر شده است که عبارت‌اند از:

۱- تغییرات اساسی در فضای دیپلماتیک نوین مؤسسات دیپلماتیک سنتی را مجبور کرده است تا تغییر شکل دهند یا محیط جدید را قبول کنند. ورزش می‌تواند به حکومت‌ها و دولت‌ها کمک کند تا دیپلماسی خود را فعال، مربوط و زنده نشان دهند. در عصر پسامدرن امروز نیز سیاست خارجه تمایل دارد امور خود را از طریق قدرت نرم و فعالیت‌هایی مانند تبادلات فرهنگی و ورزشی بگذارند؛

۲- ورزش و اهالی ورزش می‌توانند دیپلماسی یک حکومت را با صدایی بلندتر به گوش جامعه جهانی برسانند؛ همانند آنچه ایالات متحده از ورزشکاران خود در قالب گروه‌های مختلف برای فهم بهتر جامعه جهانی و جذب آنان به سیاست‌های خود انجام می‌دهد؛ به‌عنوان مثال، وزارت خارجه فدرال آلمان برای اولین بار در سال ۱۹۶۱ از ورزش به‌عنوان «یک ابزار سیاسی صلح‌آمیز» در کشورهای در حال توسعه و مناطق بحران‌زده استفاده کرد تا از این طریق تعصب را در هم نوردد و اقلیت‌ها را به هم نزدیک کند. مانزنیتر^۱ (۲۰۰۸) یکی از اهداف تأسیس جی لیگ^۲ ژاپن را خواست وزارت خارجه ژاپن می‌داند تا از این طریق پس از چهل سال جنگ سرد (۱۹۹۰) فوتبال بتواند دستاوردهای اقتصادی را تقویت کند و موجب پیشرفت و صلح در ژاپن باشد. یکی دیگر از فعالیت‌های این لیگ، کناره‌م قراردادن بازیکنان جوان فلسطینی و اسرائیلی در کمپ‌های تمرینی خود در ژاپن است تا از این طریق علاوه بر ایجاد شناخت آن‌ها از یکدیگر، صلح را در جامعه جهانی تقویت کند (شریعتی و گودرزی، ۲۰۱۶)؛

و اثرگذار بر تقویت گفت‌وگو بین‌الملل مطرح کنند؛ به‌عنوان نمونه، حضور عالی‌ترین نماینده سیاسی کشورهای اسپانیا، ترکیه، ژاپن و غیره در اجلاس کمیته بین‌المللی المپیک در بوینس آیرس در سال ۲۰۱۷ به‌منظور کسب میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۲۴، نمونه بارز این موضوع است. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، در این اجلاس ۱۸ ساعت با اعضای کمیته بین‌المللی المپیک مذاکره مستقیم کرد (شریعتی فیض‌آبادی، ۲۰۱۹) تا از این طریق بتواند استانبول را میزبان این مسابقات کند که در نهایت پاریس توانست در دور نهایی برنده این ماراتن سیاسی-ورزشی باشد. نلسون ماندلا پس از میزبانی آفریقای جنوبی در جام جهانی ۲۰۱۰ درباره ورزش گفت: «ورزش قدرت تغییر جهان را دارد. ورزش قدرت الهام‌بخشیدن و ایجاد اتحاد بین مردم را دارد. کمتر چیزی چنین قدرتی دارد» (برانگن و گریکس، ۲۰۱۹). لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور برزیل، نیز پس از کسب میزبانی جام جهانی ۲۰۱۴ فوتبال و المپیک ۲۰۱۶ ریو، در نامه‌ای به بالاتر نوشت: «بالاتر عزیز ما ملتی عاشق فوتبال هستیم. فوتبال همبستگی مردمان کشور ما را افزایش می‌دهد» (مورای، ۲۰۱۸). این‌ها نمونه‌هایی اندک از توجه سیاست‌مداران بزرگ دنیا به‌منظور استفاده از ورزش در تقویت دیپلماسی عمومی و در نهایت افزایش سرمایه سیاسی کشورهاست. این بخش از یافته‌های پژوهش با نتایج مطالعات پیگمن و مورای (۲۰۱۴) و دهقانی فیروزآبادی (۲۰۱۳) و فزونی (۲۰۰۴) همسوست؛ مبنی بر اینکه ورزش ابزاری برای کسب اعتبار در عرصه بین‌الملل است. امروزه، ورزش ابزاری برای «قرارگرفتن کشورها روی نقشه جهانی» است که به‌دلیل مخاطب میلیاردي خود در سراسر جهان می‌تواند نقش بسزایی در تقویت چهره کشورها در اذهان مردم جهان داشته باشد.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، دیپلماسی عمومی مفهومی در کنار دیپلماسی غیرحکومتی است و بسیاری از کشورها رسیدن به بن‌بست در مذاکره دیپلماتیک را با استفاده از این اهرم برطرف می‌کنند. این قسمت با نتایج مطالعه بروک و چان (۲۰۱۹) مبنی بر حل‌وفصل مناقشه‌ها میان کره جنوبی و چین از طریق بازی‌های آسیایی ۱۹۸۶ کره جنوبی و بازی‌های آسیایی ۱۹۹۰ پکن که موجب ازسرگیری روابط میان دو کشور شد، همسوست. مین و چوی (۲۰۱۹) نیز در مقاله خود آزمون و خطای ارتباط میان چین و ایالات متحده در خلال دیپلماسی پینگ‌پنگ را یکی دیگر از دلایل اهمیت ورزش در ازسرگیری روابط در دوران جنگ سرد می‌دانند. در این میان به نظر می‌رسد ورزش بین‌الملل به‌عنوان دیپلماسی به دو شیوه بر دیپلماسی عمومی اثرگذار است. یکی از اثرهای مستقیم

1- Manzenreiter

2- J League

3- Butter Field

ارائه راهکارهای اجرایی

با توجه به فضای کنونی ورزش کشور و مداخلات چندجانبه در سیاست‌گذاری ورزش، به تصمیم‌گیران سیاسی امور خارجه کشور پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

الف- تدوین برنامه‌ای جامع برای دیپلماسی عمومی کشور و تعیین جایگاه ورزش در آن؛

ب- لزوم ایجاد ضمانت اجرایی به‌منظور هماهنگی و همکاری ۱۹ وزارتخانه کشور در حوزه دیپلماسی عمومی و در ادامه، ورزش به‌عنوان بخشی از سرمایه سیاسی و اقتصادی کشور؛

ج- سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر در کسب میزبانی‌های مختلف ورزشی به‌منظور افزایش تبادلات مردم با مردم و درنهایت افزایش غرور و انسجام ملی؛

د- تلاش برای معرفی فرهنگ کشور با استفاده از ابزار ورزش توسط سفیران ورزشی مانند داوران، ورزشکاران، مربیان و غیره.

سپاس‌گزاری

پژوهش حاضر با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور انجام شده است.

۳- سومین مورد استفاده از رویدادهای ورزشی، فرصتی مهم برای بهبود دیپلماسی عمومی است. چیزی در حدود ۹/۳ میلیارد نفر بازی‌های المپیک ۲۰۰۴ آن را تماشا کرده‌اند؛ حال آنکه نزدیک به یک میلیارد نفر افتتاحیه بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن را تماشا کرده‌اند. برای تأیید یک شهر به‌عنوان میزبان رویدادهای بزرگ ورزشی، شرایط مختلفی از جمله شهرت مردم شهر میزبان به شهروندان بین‌المللی خوب، تصویر و وضعیت دیپلماتیک و پیامی که حامل ارزش‌های مثبت برای مردمان جهان باشد، لحاظ می‌شود؛ مانند میزبانی برزیل برای جام جهانی ۲۰۱۴ و المپیک ۲۰۱۶ که این موضوع نشان‌دهنده قدرت اقتصادی، جامعه مدرن و بهبود تصویر آمریکای جنوبی در ذهن مخاطبان جهانی بود؛

۴- چهارمین دلیل استفاده از ورزش بین‌الملل به‌عنوان ابزار دیپلماتیک این است که دیپلماسی از یک سو به‌عنوان کسب‌وکار صلح و از سوی دیگر به‌عنوان فعالیت بین‌المللی اجتماعی و مدنی است که می‌تواند آناژسی محیطی را کنترل کند و در این بین ورزش می‌تواند نقشی مهم را ایفا کند. باتر فیلد^۲ در این باره می‌گوید: «دیپلماسی هر آنچه را شما از یک جنگ توقع دارید، در فرصتی کوتاه برآورده می‌کند؛ درحالی‌که هیچ‌گونه آتشی افروخته نمی‌شود. ورزش نیز دقیقاً همین نقش را دارد. ورزش همانند دیپلماسی، جنگ بدون شلیک است.»

References

- Ahmadipour, Z., Joneidi, R., Booye, Ch., & Hoseyni, S. (2014). The Conception of sport Geopolitic. *International Journal of Geopolitic*, 30, 23-37. (Persian)
- Amirtash, A. M. (2005). Iran and the Asian games: The largest sports event in the Middle East. *Sport in Society*, 8(3), 449-467.
- Azarshab, M., & Ahaninjan, S. (2018). The role and impact of supportive behaviors in promoting and effective public diplomacy of the Islamic Republic of Iran (Case study of Lebanon). *Journal of Strategic Research in Islamic Revolution*, 1(37), 69-99. (Persian)
- Bagheri, Y., Shariati Feizabadi, M., & Nazarian, A. (2017). Soft modelling of sport diplomacy. *Journal of Sport Management*, 8(40), 797-821. (Persian)
- Brannagan, P. M., & Grix, J. (2019). Soft Power Projection via the Olympic Games: Sport as Geopolitical Diplomacy. *Media, Sport, Nationalism: East Asia*, 616(1), 251-259.
- Cha, V. (2013). The Asian games and diplomacy in Asia: Korea-China-Russia. *The International Journal of the History of Sport*, 30(10), 1176-1187.
- Chan, S., & Brooke, M. (2019). Gimme diplomacy: A critical discourse analysis on golf diplomacy between Singapore and the United States. *Sport in Society*, 22(12), 2161-2178.
- Chehabi, H. E. (2001). Sport diplomacy between the United States and Iran. *Diplomacy and Statecraft*, 12(1), 89-106.
- Dehghani Firoozabadi, J. (2014). Foreign policy of Islamic Republic of Iran. Tehran: SAMT Publication. (Persian)
- Deos, A. (2014). Sport and relational public diplomacy: The case of New Zealand and Rugby World Cup 2011. *Sport in Society*, 17(9), 1170-1186.
- Fozooni, B. (2004). Religion, politics and class: Conflict and contestation in the development of football in Iran. *Soccer & Society*, 5(3), 356-370.
- Giahshenas, J. (2014). Sport diploacy and future chances. *Monthly Journal of Industry and Development*, (67), 76-78. (Persian)
- Grix, J. (2013). Sport politics and the Olympics. *Political Studies Review*, 11(1), 15-25.
- Grix, J., & Houlihan, B. (2014). Sports me-

- ga-events as part of a nation's soft power strategy: The cases of Germany (2006) and the UK (2012). *The British Journal of Politics and International Relations*, 16(4), 572-596.
- 15) Khabiri, M. (2018). Sport in public diplomacy. Unpublished Research of Center of Study and Researches in ministry of Youth and Sport. Tehran. (Persian)
- 16) Khabiri, M., & Shariati Feizabadi, M. (2017). Black September: Sport and international terrorism. Tehran: Tik Tak Publication. (Persian)
- 17) Li, Y. W. (2013). Public diplomacy strategies of the 2008 Beijing Olympics and the 2012 London Olympics: A comparative study. *The International Journal of the History of Sport*, 30(15), 1723-1734.
- 18) Min, D., & Choi, Y. (2019). Sport cooperation in divided Korea: An overstated role of sport diplomacy in South Korea. *Sport in Society*, 22(8), 1382-1395.
- 19) Murray, S. (2011). Sports-Diplomacy: A hybrid of two halves. *Artigo apresentado no International Symposium on Cultural Diplomacy*, 1, 1-25.
- 20) Murray, S. (2012). The two halves of sports-diplomacy. *Diplomacy & Statecraft*, 23(3), 576-592.
- 21) Murray, S. (2013). Moving beyond the Ping-Pong table: Sports diplomacy in the modern diplomatic environment. *Public Democracy Magazine*, 9, 11-16.
- 22) Murray, S. (2013). Sports diplomacy. *The Hague Journal of Diplomacy*, 8(3-4), 191-195.
- 23) Murray, S. (2018). *Sports diplomacy: Origins, theory and practice*. London: Routledge.
- 24) Murray, S., & Pigman, G. A. (2014). Mapping the relationship between international sport and diplomacy. *Sport in Society*, 17(9), 1098-1118.
- 25) Rowe, D. (2019). The worlds that are watching: Media, politics, diplomacy, and the 2018 PyeongChang Winter Olympics. *Communication & Sport*, 7(1), 3-22.
- 26) Sabaqian, A. (2016). Sport diplomacy. *Journal of the Study of Communication and Culture*, (31), 131-151. (Persian)
- 27) Sajjadi, N. (2016). Sport and international relations. Tehran: Hatmi. (Persian)
- 28) Shahbani, H. (2010). Sport diplomacy between Iran and USA. *Journal of Dialogue*, (42), 7-24. (Persian)
- 29) Shariati Feizabadi, M. (2019). Comparative study of sport diplomacy in Iran and selected countries. *Political Knowledge Journal*, 14(29), 51-83.
- 30) Shariati Feizabadi, M., & Nazemi, M. (2018). Designing the concept of peacemaking role of sport (world against violence and extremism program). *Sociocultural Strategies Journal*, 6(24), 163-188. (Persian)
- 31) Shariati Feizabadi, M., & Goudarzi, M. (2016). The place of sport in Iranian diplomacy: Qualitative approach based on content analysis. *Journal of Political Knowledge*, 11(2), 95-127. (Persian)
- 32) Xue, C. Q., Ding, G., Chang, W., & Wan, Y. (2019). Architecture of "Stadium diplomacy"-China-aid sport buildings in Africa. *Habitat International Journal*, 90, 101985.
- 33) Yousefi, Gh., Yazdani, E., & Omid, A. (2018). Use of soft power in Latin America region: Approaches and achievements. *Political Knowledge Journal*, (28), 169-202.
- 34) Zardoshtian, Sh., Bakhshi Chenari, A., & Mohammadi Jame, H. (2020). The comparative study of Experiences and actions of Sport Diplomacy in Iran and selected Countries. *Journal of Communication Management in Sport Media*, (27), 15-27. (Persian)
- 35) Zintz, T. (2019). Promoting a strategic approach to EU sports diplomacy (Unpublished doctoral dissertation). Edge Hill University, UK.